

عضو انجمن  
سنجفی مدیران رسانه  
و شرکت تعاونی  
مطبوعات کشور



www.shahrvand-newspaper.ir  
صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر  
مدیر مسئول: عبدالرسول وصال

سر دبیر: سید افشین امیر شاهی

نشانی: تهران، فلکه دوم صادقیه  
انباری بزرگراه محمدعلی جناح  
کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴  
کد پستی: ۱۴۳۷۷۸۶۱۷  
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰  
تلفن: ۰۲۱-۴۴۹۵۶۱۰۱  
تلفن روابط عمومی: ۴۴۹۵۶۱۰۹  
چاپ: جام جم  
توزیع: شرکت نشر گستر امروز  
تلفن: ۰۲۱-۶۱۳۳۰۰۰  
تلفن سازمان آگهی ها: ۰۲۱-۴۴۹۵۶۲۰۰  
فکس: ۴۴۹۵۶۲۰۳

میتوان نام اخلاق حرفه ای روزنامه شهرود را در سایت بخوانید

http://shahrvand-newspaper.ir/  
Misagh\_Name

telegram.me/Shahrvand\_Newspaper  
instagram.com/Shahrvand-Newspaper

### این شرحی نهایت

با گورهای ناموس باش تا عبرت بگیري.  
امام علی (ع)

### چیزی بده درویش را

ای نوش کرده نیش رای خویشت کن باخویش را  
باخویش کن بی خویش را چیزی بده درویش را  
تشریف ده عشاق را بر نسور کن افساق را  
بر زهر زن تریساق را چیزی بده درویش را  
باروی همچون ماه خود با لطف مسکین خواه خود  
ما را تو کن همراه خود چیزی بده درویش را  
چون جلوه مه می کنی وز عشق آگه می کنی  
با ما چه همره می کنی چیزی بده درویش را  
درویش را چه بود نشان جان و زبان در فشان  
نی دلق صدپاره کشتان چیزی بده درویش را  
هم آدم و آن دم تویی هم عیسی و مریم تویی  
هم راز و هم محرم تویی چیزی بده درویش را  
تلخ از توشیرین می شود کفر از تو چون دین می شود  
خار از تو سرنین می شود چیزی بده درویش را  
جان من و جانان من کفر من و ایمان من  
سلطان سلطانان من چیزی بده درویش را  
ای تن پرست بولحزن در تن مپیچ و جان مکن  
منگر به تن بنگر به من چیزی بده درویش را  
امروز ای شمع آن کنم بر نور تو جولان کنم  
بر عشق جان افشان کنم چیزی بده درویش را  
امروز گویم چون کنم یکباره دل را خون کنم  
وین کار را یک سون کنم چیزی بده درویش را  
تو عیب ما را کیستی می ماز یا ماهیستی  
خود را بگو تو چیستی چیزی بده درویش را  
جان را در افکن در عدم زیرا نشاید ای صنم  
تو محتشم او محتشم چیزی بده درویش را

مولوی

### تقویم تاریخ

#### رخداد

شکست امویان از شورش شیسان عباسی در جنگ زاب و سرنگونی حکومت بی امیه (۱۲۹ خورشیدی)  
برگزاری نخستین دوره بازی های المپیک زمستانی در شامونی آلپ، فرانسه (۱۹۲۴ میلادی)  
خاتمه حالت جنگ با آلمان از سوی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، ۵ سال بعد از اتمام جنگ جهانی دوم (۱۹۵۰ میلادی)  
ساخت نخستین ساعت اتمی توسط دانشگاه کلمبیا با یک ثانیه خطا در هر ۳۰۰ سال (۱۹۵۵ میلادی)

#### طلوع

رابرت بویل - شیمی دان، فیلسوف طبیعی، فیزیکدان و مخترع انگلیسی، پایه گذار شیمی جدید (۱۶۲۷ میلادی)  
یوسف شاهین - کارگردان معروف سینمای مصر، از چهره های محبوب و پر جسته هنری در مصر و جامعه عرب (۱۹۲۶ میلادی)  
ادوارد شوارز - وزیر امور خارجه وقت اتحاد جماهیر شوروی، سیاستمدار گرجی و دومین رئیس جمهوری گرجستان پس از فروپاشی شوروی (۱۹۲۸ میلادی)

#### غروب

فردیناند دوم - پادشاه آرگون، کاستیا، سیسیل و ناپل، حامی مالی اکتشافات کریستف کلمب (۱۵۱۶ میلادی)  
آل کاپون - معروف ترین گانگستر و سردمدار مافیای آمریکا، مرگ در جریان محکومیت زندان به جرم عدم پرداخت مالیات (۱۹۴۷ میلادی)  
اوا گاردنر - بازیگر آمریکایی، بیست و پنجمین هنرپیشه بزرگ زن تاریخ به انتخاب بنیاد فیلم آمریکا، نقش آفرین در فیلم های چون: گذرگاه کاساندر، شب ایگوانا، هفت روز در ماه می (۱۹۹۰ میلادی)

### قاب کوچک



[از چپ: موبوتو سسسه سکو (دیکتاتور زبیر)، ابیدی امین (دیکتاتور اوگاندا) و ژان بدل بوکاسا (دیکتاتور آفریقای مرکزی) در کنار هم] ۴۶ سال پیش، بر ابر بایست و پنجم ژانویه ۱۹۷۱ میلادی، ژنرال عبیدی امین دادا اومه با کودتا بر علیه میلتون اوپوهره رئیس جمهوری و رهبر استقلال اوگاندا، قدرت را در این کشور در دست گرفت. اعدای او خود سرانه، سرکوبی مخالفان سیاسی و اقلیت قومی، اخراج آسیایی ها از اوگاندا و... شمه های از کارنامه سیاه ابیدی امین (در زمینه نقض مکرر حقوق بشر) در دور ۸ ساله زمامداری اش بر کشور اوگاندا به شمار می رود.

### خاطرات جشنواره ۲

### دل نیست کبوتر که چو بر خاست نشیند\*

آتوسا اسکویی | روزنامه نگار

زمانی را به یاد می آورم که با دو نفر از دوستانم، هر چند قبل از ظهر بود ولی به سختی توانسته بودیم جای خوبی در وسط سینمای فلسطین بگیریم تا فیلم بهرام بیضایی (وقتی همه خوابیم)، را به تماشا بنشینیم، او آمد با دو نفر از عوامل اصلی فیلم، دو بار از پایین بالای سینما به دنبال جای خالی برای نشستن گشتند و مسئولین سالن چند بار به سمتی هدایتشان کردند ولی هر بار ناموفق از یافتن صندلی خالی و عجیب این جماعتی که نشسته بودند تا فیلم او را ببینند ولی خود او را نمی دیدند یا به هر دلیل دیده می گرفتند یا به جرات می توانم بگویم اکثر بزرگان نقد و سینمای امروز در آن سالن حاضر بودند، ما اما خدا را شکر متفاوت بودیم و اینقدر استقلال داشتیم که مجبور به رعایت ملاحظاتی خاص نباشیم بدون نیاز به مشورت هر سه بر خاستیم و جایمان را به بیضایی و همراهانش دادیم البته مسئولین سالن سینما فلسطین نیکمتری از سالن انتظار به سالن نمایش آوردند و ما هم فیلم را نشسته دیدیم ولی آن روز هم شدیدی دیگر از خاطرات فراموش نشدنی جشنواره، البته که خاطرات جشنواره ای یکی دوتا نیستند، در همان سال در سینما فلسطین بین سردبیر یک مجله سینمایی و یک منتقد دعوی کلامی ای در گرفت و هنوز که هنوز است رعب و وحشت ناشی از نشیندن آن پشتم را می لرزاند، در کنار درک واقعیتی بسیار تلخ که یک محیط فرهنگی قدرتی می تواند از فرهنگ به دور باشد، اتفاقی که البته در سال های بعد و حتی در چندین جلسه مطبوعاتی کلملا رسمی در برج میلاد نیز تکرار شد و او سالها که دیگر عادی شده بود و اقتدرها ترسناک به نظر نمی رسید.

در تمام این سال ها لذت کشف یک فیلم خوب برایم فرقی نمی کرد که در کدام جشنواره اتفاق بیفتد، اگر آن فیلم خوب یک فیلم کوتاه بود یا مستندی در سینما حقیقت یا انیمیشنی عالی در جشنواره دوسالانه پوینمایی یا به ندرت فیلم بلندی در جشنواره فجر،

### نگاه

### ضرورت سیاسی بازی در پلاسکو



صادق روحانی  
روزنامه نگار

یکی از برجسته های معمول در فضای عمومی جامعه این جمله است: «دارد مسائل را سیاسی و جناحی می کنند». معمولا هم زمانی به کار می رود که یک مسئول در قبال انتقادهایی که از او می شود پاسخی ندارد و برای آن که از جواب دادن طفره ببرد، می گوید منتقد من مسائل را سیاسی می کند یا اصطلاحا سیاسی بازی می کند.

پشت هر انگ یا برجستگی مفهوم یا پیش فرض هایی وجود دارد که سرجمع آن پیش فرض و یک قضاوت ارزشی منفی نتیجه اش انگ می شود؛ به عنوان مثال وقتی به کسی می گویم «سیاسی بازی می کند» در حقیقت می گویم که او منافع حزبی و جناحی اش را بر خیر عمومی ترجیح می دهد و حالا نسبت به این یک قضاوت ارزشی می کنیم.

اما یک نکته مهم در این میان است. تا چه اندازه این پیش فرض های ما درست است؟ برداشت و درک ما نسبت به این پیش فرض ها تا چه اندازه بر واقعیت منطبق است؟ در همین انگ «سیاسی بازی»، پیش فرض این است که منافع حزبی و جناحی بر منافع و خیر عمومی رجحان داده می شود. آیا تعریفی از

### دعوت

### شما نویسد ما منتشر می کنیم

صفحه آخر «شهرود»، در راستای سیاست های کلان روزنامه مبنی بر مشارکت هرچه ملموس تر مخاطبان در روند تهیه محتوا و برقراری یک ارتباط دو سویه میان رسانه و مخاطب، طرح دعوت مخاطبان برای به اشتراک گذاشتن «تجربیات شخصی در حیطه زیست اجتماعی» را به اجرا می گذارد.

این طرح در نخستین گام خود ذیل محورهایی چون زندگی اجتماعی، فعالیت های مدنی، ادب معاشرت جمعی و... با طرح موضوعاتی مشخص، مخاطبان روزنامه را به مکتوب کردن تجربیات عینی خود دعوت می کند. در حقیقت صفحه آخر روزنامه شهروند تصمیم دارد با اختصاص فضای مشخص جهت انتشار این مکتوبات، از جایگاه متمکن و حده فاصله گرفته و زمینه مشارکت عملی مخاطبان در روند تولید محتوا را آسانتر کند.

صفحه آخر «شهرود» حق خود را برای حک و اصلاح مطالب رسیده محفوظ می داند. مخاطبان به شرط خدشه دار نکردن ارزش های عرفی و شرعی حاکم بر جامعه، در طرح دیدگاه های خود - هر چند با سلاقی دست اندر کاران روزنامه در تضاد باشد - آزاد هستند.

در آینده مطالب منتخب و چاپ شده، توسط روزنامه شهروند در قالب یک کتاب منتشر خواهد شد.

### سومین دعوت: خاطرات سفر!

در پی پایان مهلت دومین دعوت صفحه آخر روزنامه شهروند (با موضوع شهر و محله من)، در سومین دعوت از شما مخاطبان همیشه صفحه آخر می خواهیم، خاطره، نکته، داستان و یا هر آنچه که در سفرهای داخلی و خارجی خود تجربه کرده اید و فکر می کنید برای مخاطبان روزنامه آموزنده، جالب و خواندنی است، بنویسید و بفرستید تا در همین صفحه آن را با نام خودتان منتشر کنیم.

علاقه مندان به مشارکت می بایست متن های خود (بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ کلمه) را به صورت تایپ شده به آدرس ایمیل صفحه آخر ارسال کنند. مطالب دریافتی در صورت تایید محتوایی با درج نام نویسنده منتشر شده و بدیهی است اولویت انتشار با مطالبی خواهد بود که زودتر دریافت شوند.

saftehkhahar@shahrvand-newspaper.ir

### شمیم صلح

امهدی توکلی تبریزی

مهاجرت کرده بودند و در جونیته در شمال بیروت ساکن شده بودند. توحید به غیر از چند سفر کوتاه تفریحی به ایران هیچگاه در سرزمین مادری اش زندگی نکرده بود. تعلق خاطرش به لبنان مشهود بود. بریای همین بود که لبنانی های بسیاری او را تکریم می کردند. بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه خیلی زود به عنوان یک کارشناس خبره و تحلیلگر مسائل خاورمیانه و به ویژه لبنان در سپهر سیاسی جامعه مطرح شد.

او که روزهای آرام لبنان را از نزدیک لمس کرده بود، روزهایی که در آن خبری از جنگ های شهری و ترور و انفجار نبود و شب های زیبای بیروت که خانواده های لبنانی در کرانه های دریای مدیترانه خواهد ماند.

### داستان کوتاه



آن شب گویی چونیه به احترامش سکوت کرده بود. در مقابل یکی از برج های سر به فلک کشیده منطقه جوانان بسیاری در رثای نبودنش با شمع هایی در دست به سوگ نشسته بودند. همه آمده بودند از شیعیان و درویش ها تا مارونی های مسیحی و دسته گل هایی از طرف دو جناح سیاسی هشت مارس و چهارده مارس که در مقابل محل سکونت اش با روان های مشکلی آراسته شده بودند. او انگار به سمبل وحدت لبنانی ها بدل شده بود.

توحید منعم دانش آموخته دانشگاه آمریکایی بیروت بود. متولد بیروت اما از پدر و مادری ایرانی. سال های بسیار دور خانواده اش از ایران به لبنان